معجزه یک عزاداری بازگشت به خانه پس از ۱۸ سال



در اتفاقی نادر و عجیب، انتشار فیلمی از برگزاری یک مراسم مداحی در آسایشگاهی در قم، یک مفقودی اهل ساری را پس از ۱۸سال به آغوش گرم خانواده‌اش بازگرداند. تصاویر این مرد در فیلم ثبت شده بود و خانواده‌اش با دیدن آن، او را شناسایی کردند. این حادثه در حالی رخ داد که خانواده مرد مفقودی که حالا ۳۶ ساله است از یافتن او ناامید شده بودند. ماجرا به ۱۸ سال پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که عادل طاهری ۲۵ سال داشت و عادت داشت هر روز برای پیاده‌روی از خانه بیرون برود و پس از چند ساعت بازگردد. این روال روزانه او بود و خانواده نیز از این موضوع اطلاع داشتند. یک روز غروب، عادل از خانه بیرون رفت. خانواده انتظار داشتند طبق معمول ساعت ۹ یا ۱۰ شب بازگردد، اما هرچه منتظر ماندند، خبری از او نشد.

خانواده که نگران عادل شده بودند، جست‌وجوهای گسترده‌ای را برای یافتن او آغاز کردند. پدر، مادر، برادر بزرگ‌تر و تمام خانواده هرجا را که می‌توانستند گشتند، اما هیچ نشانی از عادل پیدا نکردند.

جاوید، برادر عادل در ادامه ماجرا به جام جم می‌گوید: «عادل به‌خاطر کم‌شنوایی نمی‌تواند خوب صحبت کند. پس از مفقودی او، پدرم همه جا را گشت و پول زیادی هم خرج کرد اما راه به جایی نبرد. ۴ ـ ۳ سال جست‌وجوها ادامه داشت و بعد هم منتظر ماندیم تا ببینیم سرنوشت چه چیزی برای‌مان رقم می‌زند. یک اتفاق جالب که پدر و مادرم را بسیار آرام کرد، برای‌تان بگویم. آنها نزد آیت‌ا... بهجت در قم رفتند و او گفت برای آرام‌شدن دل مادرت چیزی می‌گویم. گمشده شما چه سه ماه بگذرد و چه ۲۰ سال، حتما روزی نزد خانواده‌تان برمی‌گردد که همین اتفاق هم افتاد. برادرم نزد حضرت معصومه(س) امانت بود و او را دوباره به ما برگرداند.»

او در مورد ماجرای فیلم جنجالی ادامه می‌دهد: «پسردایی پدرم پیچ خانم حیدری را دنبال می‌کرد. در این پیج یک مراسم مداحی در حال برگزاری بود و خانم حیدری از آن فیلم کوتاهی تهیه کرد. پسردایی پدرم آن را دید و عادل را شناخت. او سپس موضوع را به عمویم اطلاع داد. عمویم هم کلیپ را دید و فهمید خود عادل است. به مادرم هم طور دیگری قضیه را اطلاع دادیم. به او گفتیم بیا این فیلم را ببین، چیز جالبی در آن هست، که یکدفعه گفت از عادل خبری شده است؟! فیلم را که دید گفت خودش است و بغض ۱۸ساله‌اش شکست. بعد هم تصویری با عادل ارتباط گرفتیم. خانم حیدری در این زمینه خیلی همکاری کرد. از صفر تا صد قضیه و زمانی که به قم آمدیم با ما همراه بودند. وقتی آمدیم، عادل، برادر بزرگ‌تر، مادر و عمویم را شناخت و خندید. هم او در شوک بود و هم ما. الان هم در ماشین نشسته و آماده است که به خانه برویم.»

برش

اتفاقی باورنکردنی بود

مینا حیدری که امیر، برادرش را چهار ماه پیش از دست داده، باعث و بانی بازگشت عادل به خانواده‌اش است. او به جام جم می‌گوید: «از وقتی که برادرم فوت کرد به‌دلیل علاقه‌ام به بچه‌های سندرمی، گاهی به آسایشگاه «انوار آفتاب» در قم می‌روم و به آنها سر می‌زنم؛ مثلا لباسی، چیزی می‌خرم تا بیشتر در کنارشان باشم. دوست داشتم مسیر برادرم را ادامه دهم. چون پیجم با امیر بالا آمد، مایل بودم هزینه‌های تبلیغاتم را صرف بچه‌های بهزیستی کنم. سه ماهی می‌شود که به آسایشگاه رفت‌وآمد دارم. آن‌قدر که بچه‌ها دیگر مرا شناخته‌اند و می‌گویند خاله آمده است. چند باری هم از بچه‌ها فیلم گرفتم، اما عادل در آن نبود تا شبی که در آسایشگاه برای حضرت فاطمه(س) مراسم روضه برگزار شد. من از سینه‌زنی بچه‌ها که خیلی هم قشنگ بود، فیلم گرفتم تا در پیج ایسنتاگرامم قرار دهم. چون مردم این بچه‌ها را خیلی دوست دارند. البته چون فرزندان برخی خانواده‌ها در آسایشگاه نگهداری می‌شوند، امکان انتشار گسترده چنین فیلم‌هایی وجود ندارد؛ با این حال، از مراسم آن شب که عادل هم در آن حضور داشت، فیلم گرفتم و منتشر کردم. پس از انتشار فیلم خانواده عادل با ما تماس گرفتند و قضیه را تعریف کردند. من هم تماس تصویری برقرار کردم که عادل و خانواده‌اش همدیگر را شناختند. عادل ۱۸ سال پیش گم شده بود و خانواده‌اش همه جا را گشته بودند، حتی به قم و نزد آیت‌ا.... بهجت هم آمده بودند، اما به بهزیستی قم سر نزده بودند. پس از تماس تصویری، آنها شب حرکت کردند و صبح رسیدند. عادل و خانواده‌اش همدیگر را دیدند و آن‌قدر خوشحال است که دوست دارد زودتر به خانه‌اش برگردد. عادل ۱۸ سال در آسایشگاه زندگی کرد، اما بسیار آرام بود و هرگز کسی را آزار نداد. او چون نمی‌تواند صحبت کند، نتوانست به کسی بگوید نامش عادل است و برای همین او را در آسایشگاه حمید صدا می‌کردند. مسئولان آسایشگاه می‌گویند این مکان ۵۰ سال قدمت دارد، اما تاکنون سابقه نداشته که چنین اتفاق مبارکی رخ دهد و کسی خانواده‌اش را این‌طور پیدا کند. آن زمان که عادل مفقود شد، معلوم نیست چطور به قم رسید، با اتوبوس یا با ماشین. پدر عادل یک سال پیش از دنیا رفت و او در فراق پسرش بسیار گریه و زاری کرده بود، اما خدا را شکر مادرش زنده است و طعم این وصال شیرین را به لطف حضرت زهرا(س) و فضای مجازی چشید.



معامله صدمیلیونی بر سر یک نوزاد

خرید و فروش نوزاد در ازای صدمیلیون تومان، دو زوج را به دادگاه کیفری یک استان تهران کشاند. زوجی که سال‌ها در حسرت فرزند بودند، نوزادی را از یک زن و شوهر افغان خریداری کردند؛ اما پنهانکاری آنها از همسایه‌ها باعث شد ماجرا فاش شود. حالا پس از تکمیل تحقیقات، هر دو زوج به اتهام خرید و فروش نوزاد به‌زودی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک محاکمه می‌شوند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده اوایل امسال و در پی گزارش‌های مردمی آغاز شد. مأموران پلیس در جریان بررسی این گزارش‌ها متوجه شدند زوج جوانی که سال‌ها از زندگی مشترک‌شان می‌گذرد و صاحب فرزند نشده‌اند، چند روزی است نوزادی را به خانه آورده‌اند. رفتار این زوج و تلاش آنها برای مخفی نگه‌داشتن ورود نوزاد از همسایه‌ها، باعث ایجاد ظن و تردید در میان اهالی محل شده بود. همین موضوع درنهایت به گزارش ماجرا به پلیس انجامید.

با دریافت این گزارش، مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند و در بررسی‌های اولیه متوجه شدند موضوع صحت دارد. در ادامه، استعلام از سازمان بهزیستی نشان داد این زوج هیچ‌گونه اقدام قانونی برای دریافت سرپرستی کودک انجام نداده‌اند و نوزاد نیز از مسیرهای قانونی به آنها سپرده نشده است. به این ترتیب، احتمال خرید و فروش نوزاد یا حتی ربوده شدن او در دستورکار تحقیقات قرار گرفت.



با گزارش موضوع به مهدی صانعی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جرائم پزشکی تهران، دستور بازداشت زوج جوان و انجام تحقیقات قضایی صادر شد. متهمان پس از دستگیری به دادسرا منتقل شدند و در جریان تحقیقات، پرده از ماجرای خرید نوزاد برداشتند.

مرد جوان در توضیح ماجرا به بازپرس گفت: حدود پنج سال قبل ازدواج کردم. در تمام این سال‌ها تلاش زیادی برای بچه‌دار شدن داشتیم و برای درمان هم اقدام کردیم، اما نتیجه‌ای نگرفتیم. چند ماه قبل از طریق یکی از آشنایان متوجه شدیم زن جوانی تبعه افغانستان باردار است، اما او و همسرش تمایلی به نگهداری از فرزندشان ندارند. از طریق همان آشنا با این زوج ارتباط گرفتیم و قرار شد در ازای پرداخت صدمیلیون تومان، پس از تولد، نوزاد را به ما تحویل دهند.

متهم ادامه داد: توافق‌مان انجام شد و منتظر ماندیم تا زمان زایمان برسد. اوایل تابستان، واسطه با ما تماس گرفت و خبر داد زن افغان برای زایمان به بیمارستان مراجعه کرده است. ما هم به بیمارستان رفتیم و پس از تولد نوزاد، هزینه‌های مربوط به زایمان را پرداخت کردیم و کودک را تحویل گرفتیم. سپس او را به خانه آوردیم، اما چند روز بعد متوجه شدیم همسایه‌ها به موضوع مشکوک شده‌اند. تلاش کردیم ماجرا را پنهان نگه داریم، ولی با گزارش موضوع به پلیس دستگیر شدیم.

در ادامه تحقیقات، مأموران موفق به شناسایی زوجی شدند که نوزاد را به این خانواده فروخته بودند. بررسی‌ها برای دستگیری آنها ادامه یافت تا این‌که زوج افغان در یکی از محله‌های حاشیه تهران شناسایی و بازداشت شدند.

این زوج نیز پس از انتقال به مرجع قضایی، در جریان تحقیقات به واگذاری فرزندشان در قبال دریافت پول اعتراف کردند. آنها در توضیح انگیزه خود مدعی شدند شرایط لازم برای نگهداری و تأمین نیازهای فرزندشان را نداشتند و به همین دلیل تصمیم گرفتند نوزاد را به زوج ایرانی بسپارند تا در شرایط بهتری بزرگ شود. با تکمیل تحقیقات و بررسی اظهارات متهمان، برای هر دو زوج، یکی به اتهام خرید نوزاد و دیگری به دلیل فروش او، کیفرخواست صادر شد. پرونده پس از طی مراحل قانونی برای رسیدگی و محاکمه در اختیار دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت.

براساس این گزارش، چهار متهم این پرونده به‌زودی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران حاضر می‌شوند تا درباره اتهامات مطرح‌شده از خود دفاع کنند.

قتل زن بوتیک‌دار در خانه‌اش

زن جوان که صاحب بوتیکی در محله شهرری بود در خانه‌اش در حالی به قتل رسید که طلاها و گوشی تلفن همراهش به سرقت رفته است.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۸ پنجشنبه بیست‌ویکم آبان امسال زنی با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و اعلام کرد جسد خواهر ۳۵ ساله‌اش را در اتاق خواب خانه‌اش در طبقه سوم ساختمانی در محله شهرری یافته است. با گزارش این موضوع به پلیس تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت برای بررسی ماجرا به محل اعزام شد. ماموران پس از حضور در خانه، با جسد زن جوانی در اتاق خواب مواجه شدند که بر اثر اصابت ضربه چاقو به گردن به قتل رسیده بود. همچنین وسایل خانه به‌هم ریخته بود. در ادامه، از خواهر مقتول تحقیق شد و او در تشریح ماجرا گفت: خواهرم سال‌ها قبل، از شوهرش جدا شده و با فرزندش در این خانه زندگی می‌کردند. او صاحب بوتیک در یکی از محله‌های شهرری بود. کارمندش به مرخصی رفته بود و به همین دلیل خواهرم باید تمام روز را در مغازه می‌گذراند. فرزندش هم پیش یکی از دوستانش بود. چند بار با خواهرم تماس گرفتم، اما پاسخ نداد. نگرانش شدم و ابتدا به محل کارش رفتم که دیدم بوتیک بسته است. سپس خودم را به خانه او رساندم و چند مرتبه در زدم، اما کسی جواب نداد. با تلفن همراهش هم تماس گرفتم، اما پاسخگو نبود. نگرانی‌ام بیشتر شد. از همسایه‌ها سراغش را گرفتم، آنها هم از او خبری نداشتند. از همسایه‌ها پیچ گوشتی گرفتم و قفل در را باز کردم و وارد شدم. وسایل خانه به‌هم ریخته بود و جسد خواهرم را در اتاق خواب پیدا کردم. فریادهایم همسایه‌ها را متوجه ماجرا کرد و پس از آن با پلیس تماس گرفتم. متوجه شدم که طلاها و تلفن همراهش به سرقت رفته است. نمی‌دانم چه کسی او را به قتل رسانده است. خواهرم با کسی اختلاف و درگیری نداشت که این‌طور هولناک او را به قتل برسانند.

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: شواهد اولیه نشان داد که قاتل باید با این زن آشنایی داشته باشد. تحقیقات پلیس برای رازگشایی از این جنایت ادامه دارد.

دستگیری قاتل جوان اسلامشهری در ملارد



مردی که جوانی را با انگیزه اختلاف مالی کشته بود، همراه همدستش بازداشت شد.

سرهنگ غلامحسین مهرعلیان، فرمانده انتظامی اسلامشهر به سایت پلیس گفت: در پی اعلام مفقودی جوانی ۲۴ ساله از اسلامشهر به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، تحقیقات در این‌باره آغاز شد. ماموران در کمترین زمان ممکن سرنخ‌هایی از تردد افراد مشکوک به باغی در ملارد را به‌دست آوردند. آنها شامگاه جمعه بیست‌ودوم آبان امسال در عملیاتی با هماهنگی قضایی به محل مذکور اعزام و با کشف جسد، موفق به دستگیری قاتل و همدستش شده و در بازرسی از محل یک قبضه کلت کمری و تعداد شش فشنگ جنگی کشف کردند.

وی با بیان این‌که علت وقوع قتل اختلافات مالی با مقتول اعلام شده، تصریح کرد: قاتل به همراه همدستش پس از تشکیل پرونده در اختیار مرجع قضایی قرار گرفتند.

دستگیری زوج ساقی

بررسی‌ها نشان می‌داد متهم با تبلیغ در فضای مجازی و ادعای داشتن ارتباطات گسترده در ادارات دولتی، اعتماد افراد را جلب می‌کرد و با وعده انجام امور اقامتی، مبالغی از آنها می‌گرفت، اما پس از دریافت پول دیگر پاسخگوی مالباختگان نبود.

کارآگاهان در جریان تحقیقات، رد متهم را در کرج به‌دست آوردند و او را دستگیر کردند. بررسی‌ها همچنین نشان داد متهم با اجاره کوتاه‌مدت دفاتر در نقاط مختلف تهران، پس از دریافت پول از مالباختگان، محل فعالیت خود را تخلیه می‌کرد و متواری می‌شد. متهم پس از دستگیری به کلاهبرداری چندین میلیارد تومانی اعتراف کرد. تاکنون ده‌ها نفر از او شکایت کرده‌اند و تحقیقات برای رسیدگی به جرائم وی ادامه دارد.

نجات جان موادفروش پس از بلعیدن بسته‌های مواد

ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر در جریان اجرای طرح آرامش در شهر، از فعالیت یک زوج جوان در زمینه توزیع مواد مخدر با استفاده از خودروی سواری مطلع شدند. پس از انجام بررسی‌های لازم و اطمینان از صحت گزارش، ماموران این زوج را در یکی از خیابان‌ها شناسایی و دستگیر کردند. در جریان دستگیری، مرد جوان برای فرار با ماموران درگیر شد، اما تلاشش ناکام ماند. ماموران پس از مهار متهمان متوجه شدند مرد جوان به‌سختی نفس می‌کشد. بررسی‌ها نشان داد او هنگام درگیری، تمام بسته‌های مواد مخدر را بلعیده و همین موضوع راه تنفس‌اش را مسدود کرده است. ماموران بلافاصله برای نجات جان او وارد عمل شدند و با خارج کردن بسته‌ها، مسیر تنفسی‌اش را باز کردند. مرد جوان سپس برای دریافت خدمات درمانی تحت مراقبت به بیمارستان لقمان منتقل شد. در بازرسی از خودروی این زوج نیز تعدادی بسته هروئین و شیشه که برای فروش آماده شده بود، به دست آمد.

دستگیری فروشنده قلابی در شهرزیبا

کارآگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی در پی دریافت چند شکایت، تحقیقات درباره فعالیت مردی را آغاز کردند که با درج آگهی فروش کالا در فضای مجازی، از خریداران کلاهبرداری می‌کرد. بررسی‌ها نشان می‌داد متهم پس از جلب اعتماد مشتریان و دریافت وجه، از تحویل کالا خودداری کرده و دیگر پاسخگوی تماس‌های آنها نمی‌شد. کارآگاهان با بررسی دوربین‌های مداربسته در مسیرهای تردد متهم پس از ملاقات با خریداران، موفق به شناسایی هویت او شدند و سرانجام وی را در محله شهرزیبا دستگیر کردند. متهم پس از انتقال به پلیس آگاهی به کلاهبرداری اعتراف کرد و مشخص شد افراد دیگری نیز با همین شگرد از او شکایت کرده‌اند. تاکنون ۱۵ مالباخته با حضور در پایگاه دوم پلیس آگاهی از این مرد شکایت کرده‌اند و تحقیقات برای شناسایی سایر شاکیان ادامه دارد.

کلاهبرداری میلیاردی با وعده اخذ اقامت

در پی شکایت چند نفر از مردی که با وعده دریافت مجوز و اقامت قانونی برای اتباع خارجی از آنها کلاهبرداری کرده بود، پرونده‌ای در پایگاه هفتم پلیس آگاهی تشکیل شد.

کلاهبرداری از طلافروشان با رسیدساز جعلی، دستگیری مردی که با وعده اخذ اقامت چندین میلیارد تومان کلاهبرداری کرده بود، نجات جان یک موادفروش پس از بلعیدن بسته‌های مواد مخدر و دستگیری فروشنده قلابی در شهرزیبا، مهم‌ترین اخبار پلیس تهران در شبانه‌روز گذشته است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، کارآگاهان پایگاه هفتم پلیس آگاهی در پی شکایت چند طلافروش و فعال بازار طلا، تحقیقات خود را برای شناسایی عامل کلاهبرداری با رسیدهای جعلی آغاز کردند. بررسی‌ها نشان می‌داد متهم با درج آگهی خرید طلا و فلزات گرانبها، با فروشندگان قرار ملاقات می‌گذاشت و پس از انتخاب کالا، با نشان‌دادن رسید جعلی واریز وجه، طلاها را تحویل می‌گرفت و بدون پرداخت پول متواری می‌شد. کارآگاهان با تجمیع شکایت‌ها و بررسی‌های تخصصی، هویت متهم را شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم در جریان بازجویی‌ها به کلاهبرداری‌های متعدد اعتراف کرد و گفت از سال گذشته با همین شگرد از افراد مختلف، به‌ویژه سالمندان و افراد کم‌سواد، کلاهبرداری می‌کرده است. با اعترافات متهم، ۲۰ نفر از مالباختگان شناسایی شدند و پس از تکمیل تحقیقات، وی به زندان انتقال یافت.

اعتراف مرد رمال به جنایت

مرد رمال که زنی را به قتل رسانده و در چاه انداخته بود توسط پلیس بازداشت شد.

سرهنگ عیسی خدایی، فرمانده انتظامی شهرستان سملقان به سایت پلیس گفت: در پی اعلام فقدانی یک زن از سوی خانواده‌اش، تحقیقات پلیس آگاهی شهرستان سملقان در این زمینه آغاز شد. مأموران با انجام تحقیقات پلیسی موفق شدند در کمتر از ۴۸ ساعت هویت قاتل را شناسایی و وی را دستگیر کنند. وی افزود: بررسی‌ها نشان می‌داد متهم پس از ارتکاب قتل در شهرستان کلاله، جسد مقتول را به یکی از روستاهای حوزه پاسگاه گرماب منتقل و داخل چاهی در مجاورت یک مسجد رها کرده است. متهم ۲۷ ساله که به‌عنوان رمال فعالیت داشت، از این طریق با مقتول آشنا شده بود. با اعتراف قاتل، جسد نیز کشف شد. پس از دستگیری رمال، او برای ادامه رسیدگی به پرونده به مقامات قضایی شهرستان کلاله تحویل داده شد.

تلنگر

دختران داغدیده، قاتل مادرشان را بخشیدند

مرد میانسال که دو بار تا یک‌قدمی چوبه دار رفته بود این‌بار توانست رضایت دو دختر مقتول را جلب کند و بعد از ۱۰ سال زیر حکم مرگ بودن، بخشیده شود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده عصر بیست‌ونهم دی سال ۹۵ همزمان با کشف جسد زنی ۸۵ ساله در خانه‌اش، واقع در محله جیحون تهران، آغاز و معلوم شد او براثر خفگی به قتل رسیده و طلاهایش سرقت شده بود. مشخص شد دختر همسایه جسد را یافته و به پلیس اطلاع داده است. ماموران از او تحقیق کردند که مدعی شد چون کنترل تلویزیون مقتول خراب شده بود، برایش کنترل جدید خریده و موقع بازگشت به خانه، جسد را یافته است. مأموران با بازبینی تصاویر دوربین‌های مداربسته ساختمان دریافتند هنگام خروج دختر همسایه، او با مردی صحبت کرده است. مرد پس از آن وارد ساختمان شد و چند ساعت بعد با عجله محل را ترک کرد. دختر جوان بازداشت شد و اعتراف کرد به پیشنهاد شهاب که همسایه قدیمی‌شان بوده با او همدستی کرده است. قرار بود شهاب طلاهای پیرزن را سرقت کند اما زن سالخورده را کشته است. با اعتراف او، شهاب که چند هفته متواری بود، بازداشت شد. او پس از اعتراف به قتل، صحنه جنایت را بازسازی کرد و به همراه مینو روانه زندان شد. مدتی بعد، پرونده آنها به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و هر دو پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای جلسه، دو دختر مقتول برای قاتل مادرشان درخواست قصاص کردند. دختر همسایه که یکی از متهمان بود در جلسه محاکمه ابراز پشیمانی کرد و گفت هدف‌شان سرقت از خانه زن همسایه بوده و نه جنایت. شهاب، متهم به قتل نیز در تشریح ماجرا گفت: چهار سال قبل با مینو در محله ۳۰ متری جی همسایه بودیم. او چند بار بین من و زنم واسطه شده بود. بعد هم رفتند و از آنها بی‌خبر بودم. مدتی قبل از زنم طلاق گرفتم و معتاد شدم. بعد از مدت‌ها مینو را اتفاقی دیدم و وضعیتم را فهمید. چند مرتبه به من کمک مالی کرد، یک ماه قبل از حادثه هم مرا برای نظافت خانه پیرزن برد که فهمیدم طلا دارد. چند مرتبه به مینو گفتم کمکم کن تا طلاها را سرقت کنم. او در را برای من باز گذاشت. وارد شدم و ضربه‌ای به صورت زن سالخورده زدم و با طناب، دست‌وپا و دهانش را بستم. انگشتر طلا را از دستش درآوردم، اما بقیه طلاها را پیدا نکردم. مینو که بازگشت گفت حتما طلاها در اختیار دختران‌شان است. یک دستگاه ویدئو، یک دستگاه پلی‌استیشن و یک تخته فرش دستباف را برداشتم و فرار کردم. در پایان جلسه محاکمه، قاتل به قصاص و دختر همسایه به حبس محکوم شدند. این رأی در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تایید و به شعبه سوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد. مرد زندانی زیر حکم قصاص بود و دو بار تا پای چوبه دار رفت اما هربار توانست مهلت بگیرد. این درحالی‌بود که قاتل در دوران حبس اعتیادش را ترک کرد و به خواندن قرآن روی آورد. او همچنین عهد کرده بود پس از آزادی، تمام قرآن را حفظ کند. قاضی امین کرمانی‌نژاد، سرپرست اجرای احکام دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: قرار بود قاتل برای مرتبه سوم پای چوبه دار برود که با تلاش قاضی شهریار داستانی و برگزاری جلسات صلح و سازش با دو دختر مقتول مرد زندانی توانستند رضایت آنها را با پرداخت وجه‌المصالحه جلب کند. بنابراین مرد زندانی از مجازات قصاص رها و بخشیده شد.